

«امان نامه»



در طی تاریخ به کرات اتفاق افتاده است که رجال و بزرگان قوم پس از زوال قدرت خویش مورد سخط و غضب سلاطین و بزرگان صاحب اقتدار واقع شده‌اند و از دم شمشیر گذشته‌اند و پامورد عفو و اغماض قرار گرفته و بر اساس تقاضای خودشان یا پا در میانی افرادی نیکدل حکمی و فرمانی یا امان نامه‌ای برای آنان صادر شده است و بقیه عمر را به آسودگی و آسایش گذرانده‌اند .

نمونه‌های این نامه‌ها و امان نامه‌ها در متون تاریخ فراوان است و ما در این مقاله متن امان نامه‌ای که در سال ۱۰۸۵ هجری قمری بعهد شاه سلیمان فرزند شاه عباس دوم صفوی (مدت سلطنت ۱۰۷۷-۱۱۰۵) بنام امیر قلی میرزا صادر شده و عین نامه‌ای را که علی سهیلی نخست‌وزیر (۱) اسبق ایران در تاریخ

۱- علی سهیلی فرزند میرزا غلامعلی تبریزی بوده است . وی بسال ۱۲۷۴ شمسی در تبریز متولد شده ، تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود پایان برده و از مدرسه سیاسی تهران دیپلم گرفته و بخدمت وزارت خارجه درآمده است .

سهیلی در مقامات مختلف وزارت خارجه ایران خدمت کرده و در خرداد ماه سال ۱۳۱۷ سمت وزارت خارجه یافته و پس از آن به استانداری کرمان و ←

دهم مهرماه ۱۳۲۵ به قوام السلطنه (۱) نخست وزیر وقت نوشته بوده و امان
 — سفارت ایران در افغانستان رسیده و در کابینه منصور الملک بسال ۱۳۱۹ به
 وزارت کشور و در کابینه فروغی در شهریور ۱۳۲۰ مجدداً به وزارت خارجه
 انتخاب شده و در بیستم اسفند این سال به زمامداری ایران رسیده است .
 سهیلی تا مردادماه سال ۱۳۲۱ نخست وزیر ایران بود و پس از آن دولت
 قوام به روی کار آمد ولی دوام چندانی نداشت و باز در بهمن ۱۳۲۱ سهیلی به
 صدارت رسید و تا اواخر اسفندماه سال ۱۳۲۲ حکومت کرد .
 پس از سقوط کابینه دوم سهیلی دچار اعلام جرم مخالفان خود شد و کارش
 به داد گستری کشید لیکن تبرئه شد .

آخرین سمت سهیلی سفارت ایران در لندن بود که در سال ۱۳۳۲ پس
 از برقراری روابط بین ایران و انگلستان بآن کشور رفت و بالاخره در اردیبهشت
 ماه سال ۱۳۳۷ در همان شهر بمرض سرطان در گذشت .
 ۱- احمد قوام (قوام السلطنه) در آذرماه سال ۱۲۵۶ شمسی در تهران
 چشم بجهان گشوده است . وی از رجال نامدار و استخواندار ایران بوده و
 پنج بار به نخست وزیری رسیده است . (بازاول در خرداد ۱۳۰۰ - باردوم در
 خرداد ۱۳۰۱ - بارسوم در مرداد ۱۳۲۱ - بارچهارم در بهمن ۱۳۲۴ و بار
 پنجم در تیرماه ۱۳۳۱) .

پدر قوام السلطنه میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه و مادرش طاووس خانم
 دختر مجد الملک سینکی و خواهر میرزا علیخان امین الدوله بوده است .
 خط و ربط و انشای قوام السلطنه بسیار ممتاز بوده و بدین مناسبت از
 طرف ناصرالدین شاه لقب دبیر حضور یافته و بسمت منشی مخصوص مظفرالدین
 شاه در سفر سوم بسال ۱۳۲۳ ه. ق. به اروپا رفته و لقب وزیر حضور یافته و پس
 از فوت نریمان خان قوام السلطنه لقب او را گرفته است .

متن فرمان مشروطیت بخط قوام السلطنه است و در تهیه و تنظیم و تحریر
 آن دست داشته است و دکتر اعلم الدوله ثقفی طبیب مخصوص مظفرالدین شاه که

خواسته است می آوریم (۱) .

اکنون به نقل امان نامه ای می پردازیم که بعهد سلطنت شاه سلیمان با اسم امیر قلی میرزا نوشته شده است این نامه در مجموعه ای بنام منشآت و مکاتیب در مجلس شورای ملی مضبوط است .

امان نامه با اسم امیر قلی میرزا در وقتی که بدرگاه معلی می آمد آنکا جلالتشو شوکت پناه حشمت و ابهت دستگاه ، شهامت و رسالت اتبناه سلالة السلاطین النظام نظاماً للشوكة والنصته والابهت والجلاله والاقبال امیر قلی میرزا بتوجهات بیکران شاهانه والطاق بی پایان پادشاهانه سرافراز گشته بدانند که عریضه که درین ولا مشعر بر فرستادن خلعت و شمشیر و طلب امان در باب تن و جان مصحوب خود بدرگاه جهان پناه فرستاده بود بنظر کیمیا

خود یکی از مشوقان اصلی مظفرالدین شاه در امضای فرمان مشروطیت بوده در یادداشتهای خود در اینباره نوشته است : « پس از امضای فرمان ، قوام السلطنه در حالت نشاط و وجود و مصف ناشدنی دست داده بود . »

قوام السلطنه در کابینه های سپهدار ، مستوفی الممالک ، عین الدوله و علاء السلطنه به ترتیب وزارت جنگ ، عدلیه ، داخله و مالیه را داشته است . اولین حکم نخست وزیر قوام السلطنه را از زندان عشرت آباد به او ابلاغ کردند و آن در روز پنجم خرداد ۱۳۰۰ شمسی بود که سیدضیاء از صدارت معزول شده بود .

قوام السلطنه در سی ام تیر ۱۳۳۱ پس از استعفای از نخست وزیر قوام السلطنه نشین شد و بر اساس قانونی که از مجلس گذشت حکم مصادره اموال او داده شد لیکن از اجرای آن خودداری گردید و بالاخره در ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۴ در سن ۷۷ سالگی در تهران بدرود زندگی گفت و او را در قم بخاک سپردند .

۱- اصل نامه آقای سهیلی توسط محقق ارجمند آقای ابراهیم صفائی

به مجلس شورای ملی فروخته شده و هم اکنون در مخزن کتب خطی مجلس موجود است . برای توضیح بیشتر در احوال سهیلی و قوام به جزوه های رهبران مشروطه تألیف آقای صفائی مراجعه شود .

اثر رسید قبل از این خلایع فاجعه و شمشیر که مصحوب کسر مکرر مسیحی جولایی که خود استدعا نموده بود که مصحوب او فرستاده شود جهت آن سلالة السلاطین العظام فرستاده شد الحال رسیده خواهد بود. این او جاق خاندان نبوت و امامت است و کسی را بجز تکلیف اسلام نشده و نمیشود و اهل چندین ملت و مذهب در درگاه معنی هستند و همه بر دین خودند و درین دو دمان مرحمت و مروت حاجات عالمیان هر که روی آورد جمیع جرایم او به عفو و اغماض مقرون گشته مورد عنایت و مرحمت میگردد چه آن امانت و شوکت پناه بسا چندان تقصیرات بعد از آنکه از روی اخلاص روی بدین او جاق آورد نواب خاقان خلد آشیان صاحبقرانی انواع مراحم و شفقتها در باره او منظور داشته ، توجهات بی حد و نهایت فرمودند . از آن سلالة السلاطین العظام خود هرگز درین مدت حرکتی ناهنجار و امری که مخالف اخلاص باشد سر نزده و الحال خود از روی کمال اخلاص بال وصوفی گری و عقیدت و عبودیت روی امید بدر گام جهان پناه آورده بعد از شفقت و عاطفت امری در باره او متصور نمیتواند بود آن شوکت و جلالت پناه به دین و آئین و جان و مال در امان خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام و نواب کامیاب همایون ما است بخاطر جمع و دل قوی روانه درگاه خلدی پناه گردد که به صحت تن و سلامت جان به دین و آئین خود اشرف اقدس اعلی مشمول انواع شفقتها و مرحمتها خواهد بود . در هر باب به توجهات خدیوانه مستظهر و مستمال باشد . تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۰۸۵ عنوان

بالمشافهته العلیة العالیة .
نامه یا امان نامه سهیلی به قوام السلطنه

خصوصی و محرمانه است

دهم مهر ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً معروض میدارد در شماره دبر و روزنامه زندگی در صفحه اول

چند سطر نوشته شده مبنی بر اینکه :

«بقرا اطلاعیکه بدست آورده ایم آقای سهیلی پس از بازگشت از مسافرت

مشغول اقدامات و دسیسه ای بر علیه دولت شده و ما متحیریم که چرا تاکنون

طبق ماده پنج قانون حکومت نظامی ایشان را توقیف نکرده اند .»

خاطر مبارک مسبوق است که بنده قصد داشتم فعلاً بایران برگردم اگر

جناب اشرفعالی به عیال بنده و بعضی از دوستانم اطمینان نداده بودید باکسالت مزاجی و روحی ترجیح میدادم بازچندی در اروپا بمانم بنابدستور و اطمینان جناب اشرفعالی تهران آمدم حضوراً هم تقاضا کردم ترتیبی بفرمائید از این گرفتاری خلاص و زودتر برگردم. میدانستم هرچه در تهران بمانم معاندین و دشمنان من دست از من برنداشته و در مقام کار شکنی بر خواهند آمد و وقتی ملاحظه کردند بعد از ورود به ایران بازداشت نشدم نغمه جدیدی ساز کرده و مرا مخالف دولت و دسیسه کار جلوه ام میدهند و قصدشان این است خاطر مبارک را از من بدگمان سازند. من نمیدانم چه دسیسه‌ای کرده‌ام و باکی ملاقات نموده‌ام در تمام این مدت جز با وکلای خودم و چند نفری که تصور میکردم با مشورت آنها بتوانم چاره‌ای برای کار خود بیندیشم از معاشرت و ملاقات با اشخاص متفرقه با سابق و تجربیاتی که باحوال مردم این زمان دارم پرهیز نموده‌ام. در تمام ملاقاتهای محدود خود از بحث در مذاکرات سیاسی و جریانات روز خودداری نموده‌ام بلکه اگر صحبتی بمیان آمده برای عقیده و ایمان ثابت خودم اظهار داشته‌ام باید از جناب اشرف آقای نخست وزیر پشتیبانی شود. خدا گواه است این مطلب رانه برای خوش آیند بیان کرده‌ام بلکه عقیده‌ام این بوده هست و معتقدم اگر این گرفتاریها با مال اندیشی و حسن سیاست و تدبیر حضرت اشرف عالی حل نشود راه دیگری برای حل آن نیست. بهر صورت چون دشمنان دست از من برنمیدارند و از لطف جناب اشرف نسبت بمن رنج میبرند حال با این نغمه جدید می‌خواهند ذهن حضرت اشرفعالی را مشوب سازند. بنده عقیده و ایمانم نسبت به جناب اشرفعالی همان است که قبل از حرکت باروپا بوده نه تغییر کرده و نه سست شده است. بهر حال اگر تصور میفرمائید کار من بنحو مطلوب و بزودی حل شدنی نیست برای رفع تمام این گفتگوها اجازه فرمائید از ایران خارج شوم و محبت جناب اشرفعالی را برای خود ذخیره داشته باشم.

در خاتمه این نکته را هم بعرض رسانده استند عا دارم توجه فرمائید اگر گزارش و مطالبی از بنده حضور محترم عرض کردند شخصاً بخود بنده مراجعه فرمائید و اطمینان داشته باشید از اظهار حقیقت منحرف نخواهم شد.

ایام شوکت مستدام باد

ارادتمند سهیلی